Readings and Prayers, Trinity 18 Proper 22 Year 1 2026

Collect Almighty and everlasting God, increase in us your gift of faith that, forsaking what lies behind and reaching out to that which is before, we may run the way of your commandments and win the crown of everlasting joy; through Jesus Christ your Son our Lord, who is alive and reigns with you, in the unity of the Holy Spirit, one God, now and for ever.	**دعای شروع مراسم مقدس** خداوند قادر مطلق و ازلی، موهبت ایمان خود را در ما فرون کن که چیزهایی که در عقب است رها کنیم و به سوی آنچه در پیش است خود را به جلو بکشانیم، باشد که ما نیز از فرامین تو پیروی کنیم و تاج شادی ابدی را بدست بیاوریم؛ بواسطه فرزندت و خداوندمان عیسی مسیح، کسی که زنده است و با تو حکومت می کند، در وحدت روح القدس، خدایی یکتا، تا ابدالاباد.
Isaiah 5:1-7 Let me sing for my beloved my love-song concerning his vineyard: My beloved had a vineyard on a very fertile hill. He dug it and cleared it of stones, and planted it with choice vines; he built a watchtower in the midst of it, and hewed out a wine vat in it; he expected it to yield grapes, but it yielded wild grapes. And now, inhabitants of Jerusalem and people of Judah, judge between me and my vineyard. What more was there to do for my vineyard that I have not done in it? When I expected it to yield grapes, why did it yield wild grapes? And now I will tell you what I will do to my vineyard. I will remove its hedge, and it shall be devoured; I will break down its wall, and it shall be trampled down. I will make it a waste; it shall not be pruned or hoed, and it shall be overgrown with briers and thorns; I will also command the clouds that they rain no rain upon it. For the vineyard of the LORD of hosts is the house of Israel, and the people of Judah are his pleasant planting; he expected justice, but saw bloodshed; righteousness, but heard a cry!	**اشعیاء ۵: ۱-۷** اینک سرودی در بارهء محبوب خود و تاکستانش می‌سرایم: محبوب من تاکستانی بر تپه‌ای حاصلخیز داشت. او زمینش را کند و سنگهایش را دور ریخت، و بهترین درختان مو را در آن کاشت. درون آن برج دیده‌بانی ساخت، چرخشتی نیز در آن کند. چشم انتظار انگور نشست، اما تاکستانش انگور ترش آورد. اکنون محبوب من می‌گوید: "ای اهالی اورشلیم و یهودا، شما در میان من و باغم حکم کنید! دیگر چه می‌بایست برای باغ خود می‌کردم که نکردم؟ چرا پس از این همه زحمت بجای انگور شیرین، انگور ترش آورد؟ حال که چنین است من نیز دیواری را که دورش کشیده‌ام، خراب خواهم کرد تا به چراگاه تبدیل شود و زیر پای حیوانات پایمال گردد. تاکستانم را دیگر هرس نخواهم کرد و زمینش را دیگر نخواهم کند. آن را وا می‌گذارم تا در آن خار و خس بروید و به ابرها دستور می‌دهم که دیگر بر آن نبارند." داستان تاکستان، داستان قوم خداوند است. بنی‌اسرائیل همان تاکستان هستند و مردم یهودا نهالهایی که خداوند با خشنودی در تاکستان خود نشاند. او از قوم خود انتظار انصاف داشت، ولی ایشان بر مردم ظلم و ستم روا داشتند. او انتظار عدالت داشت، اما فریاد مظلومان به گوشش می‌رسید.
Psalm 80:7-15 Restore us, O God of hosts; let your face shine, that we may be saved. You brought a vine out of Egypt; you drove out the nations and planted it. You cleared the ground for it; it took deep root and filled the land. The mountains were covered with its shade, the mighty cedars with its branches; it sent out its branches to the sea, and its shoots to the River. Why then have you broken down its walls, so that all who pass along the way pluck its fruit? The boar from the forest ravages it, and all that move in the field feed on it. Turn again, O God of hosts; look down from heaven, and see; have regard for this vine, the stock that your right hand planted.	**مزامیر ۸۰: ۷- ۱۵** ای خداوند قادر متعال، ما را بسوی خود بازآور! بر ما نظر لطف بیانداز تا نجات یابیم. ما را همچون یک درخت مو از مصر بیرون آوردی و در سرزمین کنعان نشاندی و تمام قومهای بت‌پرست را از آنجا بیرون راندی. اطراف ما را از بیگانگان پاک کردی و ما ریشه دوانیده، سرزمین موعود را پر ساختیم. سایهء ما تمام کوه‌ها را پوشاند و شاخه‌های ما درختان سرو را فرا گرفت. تمام سرزمین موعود را تا به دریای بزرگ و رود فرات در برگرفتیم. اما اکنون دیوارهای ما را فرو ریخته‌ای؛ هر رهگذری دستش را دراز می‌کند و خوشه‌ای می‌کند! چرا، ای خدا، چرا؟ گرازهای جنگل، ما را پایمال می‌کنند و حیوانات وحشی، ما را می‌خورند. ای خدای قادر متعال، روی خود را بسوی ما بازگردان و از آسمان بر این درخت مو نظر کن و آن را نجات ده! از این نهالی که با دست خود آن را نشانده‌ای، و از فرزندی که بزرگش کرده‌ای، محافظت فرما،
Philippians 3:4b-14 If anyone else has reason to be confident in the flesh, I have more: circumcised on the eighth day, a member of the people of Israel, of the tribe of Benjamin, a Hebrew born of Hebrews; as to the law, a Pharisee; as to zeal, a persecutor of the church; as to righteousness under the law, blameless. Yet whatever gains I had, these I have come to regard as loss because of Christ. More than that, I regard everything as loss because of the surpassing value of knowing Christ Jesus my Lord.	**فیلیپیان ۳: ۴-۱۴** خود من بیش از هرکس دیگری، دلیل داشتم که می‌توانم خود را نجات دهم. اگر دیگران فکر می‌کنند که با تکیه به اصل و نصب و امتیازات شخصی خود می‌توانند نجات یابند، من بیشتر حق دارم چنین فکری بکنم! زیرا من در یک خانوادهء اصیل یهودی، از طایفهء "بنیامین"، بدنیا آمده‌ام؛ و هشت روزه بودم که ختنه شدم. بنابراین، یک یهودی کامل هستم. از این گذشته، عضو فرقهء "فریسیان" نیز بودم، که در زمینهء اجرای احکام دین یهود، از همه سختگیرترند. تعصب من در دین یهود بقدری بود که مسیحیان را آزار و شکنجه می‌دادم، و می‌کوشیدم که فرایض دینی را مو به مو اجرا نمایم. اما اکنون همهء این امتیازات را که روزگاری برایم بسیار باارزش بود، دور ریخته‌ام، تا بتوانم ایمان و امیدم را به مسیح ببندم. بلی، همه چیز در مقابل نعمت شناخت خداوندم

For his sake I have suffered the loss of all things, and I regard them as rubbish, in order that I may gain Christ and be found in him, not having a righteousness of my own that comes from the law, but one that comes through faith in Christ, the righteousness from God based on faith. I want to know Christ and the power of his resurrection and the sharing of his sufferings by becoming like him in his death, if somehow I may attain the resurrection from the dead. Not that I have already obtained this or have already reached the goal; but I press on to make it my own, because Christ Jesus has made me his own. Beloved, I do not consider that I have made it my own; but this one thing I do: forgetting what lies behind and straining forward to what lies ahead, I press on toward the goal for the prize of the heavenly call of God in Christ Jesus.	عیسی مسیح، بی‌ارزش است. بنابراین، همه را کنار گذاشته‌ام، چون برای من پشیزی ارزش ندارند، با این هدف که مسیح را داشته باشم، و با او یکی شوم، و دیگر برای نجات یافتن، بر کارهای خوب خودم و یا اطاعت از قوانین مذهبی تکیه نکنم، بلکه اعتمادم بر مسیح باشد؛ زیرا فقط از راه ایمان به مسیح است که خدا ما را بی‌گناه بحساب می‌آورد. اکنون من همه چیز را رها کرده‌ام، چون دریافته‌ام که فقط از این راه می‌توانم مسیح را واقعاً بشناسم و به آن قدرتی که او را پس از مرگ زنده کرد، دست یابم؛ من می‌خواهم درک کنم که رنج کشیدن و مردن با او یعنی چه. تا به هر قیمتی که شده، بتوانم مانند کسانی که در روز قیامت زنده می‌شوند، زندگی کاملاً جدیدی بیابم و در تازگی و خرمی آن بسر برم. منظورم این نیست که دیگر کامل شده‌ام. هنوز بسیار چیزها هست که باید بیاموزم؛ پس می‌کوشم تا روزی بتوانم همان شخصیتی گردم که مسیح در نظر دارد و برای رسیدن به همان مقام نیز مرا نجات داده است. بلی برادران عزیز، من هنوز آن که باید باشم نیستم، اما تمام نیروی خود را صرف یک کار می‌کنم، و آن اینکه گذشته را فراموش کنم و با انتظار و امید به آنچه در پیش است چشم دوزم، و بکوشم تا به خط پایان مسابقه برسم و جایزه را به چنگ آورم، که برای آن، خدا ما را بسوی آسمان فرا می‌خواند؛ و همهء اینها در اثر فداکاری است که مسیح برای ما انجام داده است.
Matthew 21:33-46 Jesus said to them, “Listen to another parable. There was a landowner who planted a vineyard, put a fence around it, dug a wine press in it, and built a watchtower. Then he leased it to tenants and went to another country. When the harvest time had come, he sent his slaves to the tenants to collect his produce. But the tenants seized his slaves and beat one, killed another, and stoned another. Again he sent other slaves, more than the first; and they treated them in the same way. Finally he sent his son to them, saying, 'They will respect my son.' But when the tenants saw the son, they said to themselves, 'This is the heir; come, let us kill him and get his inheritance.' So they seized him, threw him out of the vineyard, and killed him. Now when the owner of the vineyard comes, what will he do to those tenants?" They said to him, "He will put those wretches to a miserable death, and lease the vineyard to other tenants who will give him the produce at the harvest time." Jesus said to them, "Have you never read in the scriptures: 'The stone that the builders rejected has become the cornerstone; this was the Lord's doing, and it is amazing in our eyes'? Therefore I tell you, the kingdom of God will be taken away from you and given to a people that produces the fruits of the kingdom. The one who falls on this stone will be broken to pieces; and it will crush anyone on whom it falls." When the chief priests and the Pharisees heard his parables, they realized that he was speaking about them. They wanted to arrest him, but they feared the crowds, because they regarded him as a prophet.	**انجیل متی ۲۱: ۳۳-۴۶** "و اینک به این حکایت گوش کنید: "مالکی تاکستانی ساخت، دورتادور آن را دیوار کشید، حوضی برای له کردن انگور ساخت، و یک برج هم برای دیدبانی احداث کرد و باغ را به چند باغبان اجاره داد، و خود به سفر رفت. "در موسم انگورچینی، مالک چند نفر را فرستاد تا سهم خود را از باغبانها تحویل بگیرد. ولی باغبانان به ایشان حمله کرده، یکی را گرفتند و زدند، یکی را کشتند و دیگری را سنگباران کردند. "مالک عده‌ای دیگر فرستاد تا سهم خود را بگیرد؛ ولی نتیجه همان بود. سرانجام پسر خود را فرستاد، با این تصور که آنها احترام او را نگاه خواهند داشت. "ولی وقتی باغبانها چشمشان به پسر مالک افتاد، به یکدیگر گفتند: وارث باغ آمده؛ بیایید او را بکشیم و خودمان صاحب باغ شویم. پس او را از باغ بیرون کشیدند و کشتند. "حالا بنظر شما وقتی مالک باغ برگردد، با باغبانها چه خواهد کرد؟" سران قوم جواب دادند: "حتماً انتقام شدیدی از آنان خواهد گرفت و باغ را به باغبانهایی اجاره خواهد داد تا بتواند سهم خود را بموقع از ایشان بگیرد." آنگاه عیسی از ایشان پرسید: "آیا شما هیچگاه این آیه را در کتاب آسمانی نخوانده‌اید که: همان سنگی که بنّاها دور انداختند، سنگ اصلی ساختمان شد. چقدر عالی است کاری که خداوند کرده است! "منظورم این است که خداوند برکات ملکوت خود را از شما گرفته، به قومی خواهد داد که از محصول آن، سهم خداوند را به او بدهند. اگر کسی روی این سنگ بیفتد، تکه‌تکه خواهد شد؛ و اگر این سنگ بر روی کسی بیفتد، او را له خواهد کرد." وقتی کاهنان اعظم و سران مذهبی متوجه شدند که عیسی دربارهء آنان سخن می‌گوید و منظورش از باغبانها در این حکایت، خود آنهاست، تصمیم گرفتند او را بکشند، اما از مردم ترسیدند چون همه عیسی را پیغمبر می‌دانستند
Prayer after communion We praise and thank you, O Christ, for this sacred feast: for here we receive you, here the memory of your passion is renewed, here our minds are filled with grace, and here a pledge of future glory is given, when we shall feast at that table where you reign with all your saints for ever.	**دعای پس از عشاء ربانی** تو را می ستاییم و سپاسگزاریم، ای عیسی، به پاس این ضیافت روحانی:در اینجا تو را دریافت می کنیم، اینجاست که یاد مصائبت تازه می شود، اینجاست که ضمیر ما مملو از فیض می شود، و اینجاست که وعده فیض آینده داده می شود، جایی که باید در مائده تو جایی که حکومت می کنی، ضیافت به پا کنیم با همراهی همه قدیسانت، تا ابدالاباد.

First Reading: Isaiah 5:1-7

A reading from the prophecies of Isaiah

Let me sing for my beloved my love-song concerning his vineyard:
My beloved had a vineyard on a very fertile hill. He dug it and cleared it of stones, and planted it with choice vines;
he built a watchtower in the midst of it, and hewed out a wine vat in it; he expected it to yield grapes, but it yielded wild grapes.
And now, inhabitants of Jerusalem and people of Judah, judge between me and my vineyard.
What more was there to do for my vineyard that I have not done in it?
When I expected it to yield grapes, why did it yield wild grapes?
And now I will tell you what I will do to my vineyard. I will remove its hedge, and it shall be devoured;
I will break down its wall, and it shall be trampled down. I will make it a waste; it shall not be pruned or hoed,
and it shall be overgrown with briers and thorns; I will also command the clouds that they rain no rain upon it.
For the vineyard of the LORD of hosts is the house of Israel, and the people of Judah are his pleasant planting;
he expected justice, but saw bloodshed; righteousness, but heard a cry!

اینک سرودی در بارهء محبوب خود و تاکستانش می‌سرایم:
محبوب من تاکستانی بر تپه‌ای حاصلخیز داشت. او زمینش را کند و سنگهایش را دور ریخت، و بهترین درختان مو را در آن کاشت. درون آن برج دیده‌بانی ساخت، چرخشتی نیز در آن کند. چشم انتظار انگور نشست، اما تاکستانش انگور ترش آورد.
دیگر چه اکنون محبوب من می‌گوید: "ای اهالی اورشلیم و یهودا، شما در میان من و باغم حکم کنید! می‌بایست برای باغ خود می‌کردم که نکردم؟ چرا پس از این همه زحمت بجای انگور شیرین، انگور حال که چنین است من نیز دیواری را که دورش کشیده‌ام، خراب خواهم کرد تا به چراگاه ترش آورد؟ تاکستانم را دیگر هرس نخواهم کرد و زمینش را دیگر تبدیل شود و زیر پای حیوانات پایمال گردد. نخواهم کند. آن را وا می‌گذارم تا در آن خار و خس بروید و به ابرها دستور می‌دهم که دیگر بر آن داستان تاکستان، داستان قوم خداوند است. بنی‌اسرائیل همان تاکستان هستند و مردم یهودا نبارند."
نهالهایی که خداوند با خشنودی در تاکستان خود نشاند. او از قوم خود انتظار انصاف داشت، ولی ایشان بر مردم ظلم و ستم روا داشتند. او انتظار عدالت داشت، اما فریاد مظلومان به گوشش می‌رسید.

This is the word of the Lord

Second Reading: Philippians 3:4b-14

A reading from Paul's letter to the church in Philippi

If anyone else has reason to be confident in the flesh, I have more:
circumcised on the eighth day, a member of the people of Israel,
of the tribe of Benjamin, a Hebrew born of Hebrews;
as to the law, a Pharisee; as to zeal, a persecutor of the church;
as to righteousness under the law, blameless.
Yet whatever gains I had, these I have come to regard as loss because of Christ.
More than that, I regard everything as loss because of the surpassing value of knowing Christ Jesus my Lord.

For his sake I have suffered the loss of all things, and I regard them as rubbish,
in order that I may gain Christ and be found in him,
not having a righteousness of my own that comes from the law,
but one that comes through faith in Christ,
the righteousness from God based on faith.
I want to know Christ and the power of his resurrection
and the sharing of his sufferings by becoming like him in his death,
if somehow I may attain the resurrection from the dead.
Not that I have already obtained this or have already reached the goal;
but I press on to make it my own, because Christ Jesus has made me his own.
Beloved, I do not consider that I have made it my own; but this one thing I do:
forgetting what lies behind and straining forward to what lies ahead, I press on toward the goal for the prize of the heavenly call of God in Christ Jesus.

This is the word of the Lord